

تعارف در فرهنگ مردم ایران*

شایلی علیرضایی

مقدمه

یکی از الگوهای آداب معاشرت که جزیی از خصیصه‌های فرهنگی ایرانی شده است «تعارف» است که اکثر سیاحان و جهانگردان از آن یاد کرده‌اند و بعضاً به تحلیل، تمجید یا مذمت آن نیز پرداخته‌اند. چنانچه به نظر می‌آید تعارف یک ویژگی فرهنگی ایرانیان به حساب می‌آید که نمونه‌هایی از آنها را در فرهنگها دیگر مثل ژاپن یا هند نیز- البته با تفاوت‌های بسیار در اجزا - می‌توان مشاهده کرد. با این تفاسیر، بررسی تعارف به عنوان یکی از مهمترین خصیصه‌های فرهنگ ایران و ایرانیان ضروری به نظر می‌رسد.

- تعارف در ادبیات

الف) لغت نامه دهخدا

«اول، یکدیگر را شناختن، همدیگر را شناختن، شناختن دو نفر یکدیگر را.

دوم، خوشامد گفتن در اول ملاقات پس از ورود، اظهار آشنایی و احوالپرسی، احوالپرسی کردن از یکدیگر، در آداب ایرانی به دوست باید سلام و تعارف کرد.

سوم، تکلف و اسباب ضیافت فراهم کردن، فلان با مهمان خیلی تعارف می‌کند.

چهارم، کسی را به مهمانی یا گرفتن چیزی خواندن، هرچه تعارف کردم فلانی نخورد، دعوت کردن به ضیافتی یا گرفتن چیزی و تحفه‌ای.

پنجم، تحفه و هدیه که به کسی داده می‌شود، هدیه و پیشکش.»

دهخدا خاطر نشان می‌کند که عبارت تعارف دارای منشاء عربی می‌باشد و فقط معنی اول آن در قدیم مورد

* این مقاله بخشی از پایان نامه تحصیلی نگارنده در مقطع کارشناسی ارشد رشته مردم شناسی است که به راهنمایی دکتر عسکری خانقاه تدوین شده است.

استفاده قرار می گرفته است و معانی دوم تا پنجم امروزه در زبان فارسی کاربرد دارند». (دهخدا، ۱۳۴۲، ص ۷۵۱)

ب) فرهنگ سخن

در این فرهنگ لغت انوری چندین معنی برای آن ذکر می کند که نزدیکی بیشتری با مفهوم اصلی تعارف دارند:

۱. خواستن از کسی، همراه با ادب و معمولاً به اصرار، که پیشکش، خدمت یا دعوتی را بپذیرد. ۲. خودداری کردن از قبول دعوتی یا چیزی معمولاً علی رغم میل باطنی.
۳. بر زبان آوردن جملاتی همراه با ادب و احترام برای خوش آیند مخاطب یا خوش آمد گویی یا احوال پرسی ۴.
- رعایت کردن آداب و رسوم؛ رعایت تشریفات. ۵. آنچه به عنوان هدیه، سوغاتی، یا رشوه به کسی می دهند. ۶.

یکدیگر را شناختن». (انوری، ۱۳۸۵، ص ۶۲۲)

پ) فرهنگ کوچه

شاملو سه تعریف برای تعارف ذکر می کند:

۱. خوشامدگویی و حال پرسی متکلفانه در ابتدای دیدار، ۲. تکلفات رسمی ی دور از صمیمیت و یک رنگی، ۳. دعوت کسی به ورود در خانه خود، دعوت وی مثلاً به نشستن در صدر مجلس، اصرار وی در خوردن و نوشیدن و جز اینها». (شاملو، ۱۳۷۹، صص ۳۳۶-۳۳۵)

- تعارف در مثل

۱- تعارف اومد نیومد دارد!

الف) شهری در مورد این مثل می گوید:

«دلخوری کسی که از تعارف حساب نکرده گرفتار شده باشد.

تعارف رسمی است انسانی، در مزید محبت، و اتصال و نشان دادن دوستی و ادب، به شرط آن که تعارف کننده جوانب امر نگریسته، خود به مضیقه نیفکنده، دچار مشکلات آن ننماید.

عادت و قبول رسمی برای تهرانی ها در آن حد قید که گاهی از آن به جای تقویت دوست و تحصیل آبرو، تضعیف مودت و از میان بردن آبروی خود می کردند، مثل آن که نسنجیده و حساب اعتبار مهمان و موجودی جیب و اسباب، پذیرایی نمودن مهمان یا به غذافروشی و مثل آن کشیده، اگر در خانه بود موجب خفت مهمان و سرافکنندگی خویش و اگر در خارج آن که یا (رو) به خود مهمان انداخته، یا با مرارت و علم و اشاره و حالی نمودن وضع خود به صاحب دکان و مکان تا به گرو قبول محتویات جیب و بغل او نماید و یا در صورت بالا بودن صورت مخارج پا بگریز نهاده، دعوت اول و آخرشان گرویده یا از خجالت نتوانستن چشم به چشم دوست و دشمن انداختن ترک یار و دیار برای تمام عمر بکنند. مهمان دعوت کردنهایی به این گونه در خانه که از رسیدن و نشستن مهمان و پچ پچها و بیخ گوش حرف زدن ها و بدو بدوهای متعلقات میزبان که چه چیز از کدام اتاق و چه چیز از کدام همسایه و چه جنس از کدام دکاندار نسیه بکنند شروع و مخصوصاً وقتی که تیرشان از هر طرف به سنگ بخورد و در خارج از خانه که با دکاندارهای بی ملاحظه رو به رو بشوند! تعارفی در آن حد قید به آن که حتی آب را قبلاً به دیگران تعارف نموده، سپس می آشامیدند و غذا را اگر چه کمتر از حاجت فردی

خود اول به اطرافیان، هر چند بیگانه تعارف می کردند و در غذا بسی تعارف‌هایی که با لقمه لقمه خوراندن به این و آن گاهی خود گرسنه می ماندند، همچنین هر خوردنی و نوشیدنی که پیش از این دست زدن باید تعارف بکنند و جالب توجهش برای ناآشنای به این عادت، زمانی که طرف با دست استکان چای یا ظرف غذا را به طرف خود کشیده، با زبان، تعارف به این و آن می نمود! در تعارفات نسنجیده، ضرب المثل (سر زبان بنده) در این ماجرا که؛ مردی کنار جاده‌ای نشسته، صرف غذا می نمود، سواری بر او گذشت و با «بسم الله بفرمایید» تعارفش نمود. سوار پیاده شد، پرسید میخ طویله اسبش را کجا بکوبد؟ و او که از خود و وی ناراحت شده بود جواب داد: سر زبان بنده!» (شهری، ۱۳۷۹، صص ۲۰۹-۲۰۸)

۲. تعارف شاه عبدالعظیمی

شاملو نیز در این مورد تعریف زیر را ارائه می دهد:
(شاهدوالعظیم = شهرری، تعارفی به گونه تعارفات مردم شهرری)

مردم شهرری علاقه‌ای به مهمان ندارند. طبعاً این دلیل ساده که هر دم دوستی یا خویشی از ایشان از شهرهای دیگر به زیارت می آید و غالباً با ایل و تبار؛ و اگر اهل محل بخواهند گشاده دستی نشان دهند خانه شان به کاروانسرای مبدل می شود و از کار و زندگی باز می ماندند. این است که چون به اقوام یا آشنایان زائر برمی خورند، نخست ته و توی موضوع را از زبان ایشان بیرون می کشند تا یقین پیدا کنند که حریف ماندنی نیست؛ و آنگاه به تعارف می پردازند و او را به خانه خود می خوانند. معروف است که پس از تفحص کامل و یقین

به این که به هیچ روی خطر ماندن زائر در میان نیست، تازه برای محکم کاری از او می پرسند: «حالا تو را به این حضرت (اشاره به حرم) می مانی یا حتماً باید بروی؟» - و پس از آن که حریف گفت «نه، به همین حضرت ناچارم بروم» شروع به تعارف و اصرار می کنند که: «شب را پیش ما می ماندی، یک شب که هزار شب نیست، امشب را بد می گذراندی...» / مدخل در مورد تعارفی می آید که عمقی نداشته باشد و تعارف کننده را گرفتار نکند». (شاملو، ۱۳۷۹، ص ۳۳۸)

۳. تعارف کم کن و بر مبلغ افزای

(الف) امینی می گوید:

«در موردی که در مقابل توقع یا دستمزد کار کسی مبلغ ناچیزی پردازند و تعارف و چرب زبانی تحویل وی دهند، مخاطب به ایراد این مثل مبادرت نماید: تعجیل بد است و لیکن در عمل خیر نیکوست». (امینی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۳)

۴. تعارف آب حمامی

(الف) دهخدا می گوید:

«تعارف شاه عبدالعظیمی: دعوت کردن کسی را به چیزی بی ارزش، چون آب خزینة حمام را به تازه وارد اهداء کردن». (دهخدا، ۱۳۴۲، ص ۷۵۱)

- تعارف در اصطلاح

۱) تعارف دادن

«هدیه، سوغاتی یا رشوه دادن». (انوری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳)

– تعارف در سفرنامه‌ها

(۲) تعارف کردن

(۱) آدم‌ها و آیین‌ها در ایران

کارلا سرنا در سفرنامه خود درباره تعارف چنین می‌نویسد:

«... عباراتی که به عنوان تعارف و ادای قرابت ادب به کار می‌برند هم چاپلوسانه و هم اغراق آمیز است. این گونه تعارفات یکی از مشخصات خاص ایرانیهاست. اولین جملات خوش آمدگویی چنین است: شما به منزل خودتان تشریف آورده اید. اینجا متعلق به جنابعالی است. بنده سراپدار خانه و در خدمت جنابعالی هستم.» (سرنا، ۱۳۶۲، ص ۷۱)

وی در ادامه می‌نویسد: «اما اگر کسی که خطاب به او چنین جملات خاضعانه و محبت آمیز بیان می‌شود، بخواهد این گونه تعارف متداول را جدی تلقی کند، بزودی خواهد فهمید که کلاه سرش رفته است. این جملات، تازه، مقدمهٔ یک رشته تعارفات است که در طول ملاقات مرتباً تکرار می‌گردد.»

(۲) زیر آسمان ایران

هرمان نوردن می‌گوید: «در همه جا مهمان نوازی ایرانی‌ها در حد کمال بود؛ در همان حدی که در افسانه‌ها نقل شده است. در ایران حتی اگر غذایی که یک رهگذر به شما تعارف می‌کند، رد کنید، او دل شکسته می‌شود، وقتی من با کاروان مسافرت می‌کردم و در بین راه توقف می‌کردیم، جاهایی که هیچ کس وظیفه نداشت با من مثل یک مهمان رفتار کند. من همیشه آثار این شیوهٔ زیبا و پسندیده ایرانی را می‌دیدم.»

«۱. تعارف ۲. با حالت ادب چیزی را جلوی کسی گرفتن تا او بردارد. ۳. هدیه، سوغاتی یا رشوه دادن.» (همان، ص ۶۲۲)

(۳) تعارف تکه پاره کردن

«تعارف کردن به صورتی که بیش از اندازه، غیر صمیمانه، یا مبالغه آمیز باشد.» (همان، ص ۶۲۲)

(۴) تعارفی

«۱. ویژگی آن که گرایش افراطی به تعارف دارد. ۲. هدیه، سوغاتی یا رشوه.» (همان، ص ۶۲۲)

(۵) تعارف داشتن

«صمیمی و خانه خودی نبودن. برای برخورداری از پذیرایی میزبان نیازمند تعارف و دعوت وی بودن (شاملو، ۱۳۷۹، ص ۳۳۷)

(۱۰) تعارف خشک و خالی

«تعارفی از سر ادب، و نه تعارفی که صمیمانه باشد.» (همان، ص ۳۳۷)

(۸) بی‌تعارف بودن

«بی‌تکلف و صمیمی بودن و برای برخورداری از مهمان نوازی میزبان نیاز به ترغیب و اصرار او نداشتن.» (همان، ص ۳۳۶)

مردم همسفر با من، هر چه را به همراه داشتند، به من تعارف می‌کردند و آن‌ها که خیلی فقیر بودند، قطعه‌ای گوشت خشک و یا کمی شیر شتر به من می‌دادند که بو و طعم بسیار بدی دارد، اما بسیار مغذی است». (نوردن، ۱۳۵۶، ص ۴۷)

۳) سفرنامه شاردن

ژان شاردن معتقد است: «(ایرانیان) در تملق، ید طولایی دارند و اگر در چاپلوسی اندکی بی‌آزم می‌باشند، در عوض با مهارت و صنعت خاصی، مقصود خود را به طرف، القاء و تلقین می‌کنند. فی‌المثل اظهار می‌دارند آن چه بر زبانشان می‌گذرد، عین مطلبی است که در دل دارند و در این مورد سوگند یاد می‌کنند. ولی مع‌هذا کله به محض این که از این ملاطفت که برای جلب نفع و یا نظر دیگری صورت گرفته، لحظه‌ای می‌گذرد، مشاهده می‌شود که تمام این تعارفات یا به اصطلاح خودشان، تواضعات، مطلقاً عاری از حقیقت و دور از حشمت بوده است». (شاردن، ۱۳۵۰، ص ۱۵۱)

- توصیف پدیده‌های تعارف

تعارف در برخوردها

در فرهنگ ایران برخوردها از طریق تعارف به یک طرز ویژه صورت می‌گیرند. مردم ایران معمولاً وقت زیادی را در این برخوردها صرف تعارفات معمول می‌کنند، در این تعارفات بیشتر سوالاتی مطرح می‌شود که پاسخ آنها برای پرسشگر معلوم است مثلاً در پاسخ به سوالات احوالپرسی جواب‌های کم و بیش یکسانی داده

می‌شود و واژه‌ها و اصطلاحات خاصی نیز رد و بدل می‌گردد. اصطلاحاتی مثل «چشم ما روشن»، «مشتاق دیدار»، «... همچنین سوالات متداولی از قبیل «چه خبر؟» یا «کم پیدا می‌د؟» و... که معمولاً جواب‌های مشابهی رد و بدل می‌شود. به کار بردن القاب و عناوین هم در این برخوردها معمول است، مانند «قربان» یا «جناب» یا «سرکار» و امثال آنها.

نکته دیگر اینکه این نوع برخوردها معمولاً در بین مردها با زنان با تعارفات کم و بیش متفاوتی به چشم می‌خورد. این تفاوت در بین اقشار مختلف مردم و طبقه‌های فرهنگی گوناگون نیز به گونه‌ای دیگر دیده می‌شود. مثلاً در بین آقایان به کار بردن اصطلاحاتی مثل «چاکرم»، «مخلصیم» یا «نوکرتم» معمول است که به کارگیری این اصطلاحات در بین خانم‌ها بسیار به ندرت دیده می‌شود. کما این که نوکر واژه‌ای است که فقط برای آقایان به کار می‌رود و معادل آن برای خانمها کنیز می‌باشد و به کارگیری اصطلاحی مثل «کنیزتم» در بین خانم‌ها به ندرت دیده می‌شود.

کمتر ایرانی است که قواعد مربوط به این نوع تعارفات را نداند. گرچه همانطور که گفته شد این تعارفات در هر منطقه شکل خاص خود را دارد. حتی تفاوت‌هایی میان تعارفات شهریان و روستاییان دیده می‌شود. نکته دیگر این است که در این نمونه‌ها دیده می‌شود، به کار بردن اصطلاحات عربی است. در تعارف ایرانی در زمینه برخوردها، بعضی از عبارات‌های اسلامی (عربی) به طور رایج مورد استفاده قرار می‌گیرند.

بسیاری در پاسخ به سوال «حال شما چگونه؟» می‌گویند: «الحمد لله»؛ «الحمد لله یعنی خدا را شکر، اما در

این جا معنی واقعی الحمدلله این است که خوبم. از دیگر نکاتی که به ذهن می‌رسد این است که در احوالپرسی‌ها علاوه بر این که حال خود شخص پرسیده می‌شود، حال دیگر اعضای خانواده نیز پرسش می‌گردد. و شاید تا اندازه‌ای این مطلب به جایگاه، ارزش و نقشی که خانواده در جامعه ایرانی بازی می‌کند مربوط شود.

یکی از ویژگی‌هایی که ایرانیان را از سایر فرهنگ‌ها و مملکت‌ها جدا می‌کند همین مهمانی‌ها و شب‌نشینی‌هاست.

تعارف در دعوت

تعارف ایرانی در زمینه دعوت، که مهمان نوازی هم شامل آن می‌شود، بارز، مشهود و مرسوم است. مهمانی و مهمانی دادن یکی از سنت‌های دیرینه و رایج در ایران است. مردم به مناسبت‌های مختلف یکدیگر را دعوت می‌کنند. مناسبت‌هایی از قبیل عروسی، تولد، ختم، ولیمه، سالگرد ازدواج، سالگرد فوت و... و یا مناسبت‌های مذهبی مثل تاسوعا و عاشورا، شب‌های قدر و... همچنین مناسبت‌های ملی مثل نوروز، چهارشنبه سوری، شب یلدا و... اما علاوه بر اینها دعوت یکدیگر به شام یا نهار بدون هیچ مناسبت خاصی و «دور بر همی» در ایران متداول است. در واقع یکی از ویژگی‌هایی که ایرانیان را از سایر فرهنگ‌ها و مملکت‌ها جدا می‌کند همین مهمانی‌ها و شب‌نشینی‌هاست.

زندگی ایرانیان رویکردی جمع‌گرایانه دارد و این

مهمانی‌ها به مناسبت‌های مختلف یکی از نشانه‌های آن است. در این مهمانی‌ها با توجه به مناسبت‌های مختلف تدارکاتی مناسب همان مهمانی در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال رسم است در مراسم ختم و سالگرد فوت با حلوا و خرما پذیرایی می‌شود. به همین ترتیب در عروسی‌ها به گونه‌ای دیگر با شیرینی و بستنی و... پذیرایی می‌شود. بنابراین دعوت ایرانی همراه با پذیرایی ایرانی است. همه افرادی که یکدیگر را دعوت می‌کنند، برای پذیرایی آن تهیه و تدارک می‌بینند. این تهیه و تدارکات از فرهنگی به فرهنگ دیگر، از شهری به شهر دیگر یا حتی از خانواده‌ای به خانواده دیگر متفاوت است. لازم به ذکر است که طبقات اقتصادی مختلف هم تدارکات متفاوتی را برای مهمانان خود فراهم می‌کنند. اما آنچه که بیش از این تفاوت‌ها مهم است، حرمت مهمان و مهمانی در همه مناطق ایران است. بنابراین دعوت کردن از یکدیگر رویکرد ارزشی در جامعه دارد. از دیگر موارد دعوتی، دعوت اتفاقی و از پیش تعیین نشده است. نمونه این نوع دعوت‌ها نیز به چشم می‌خورد. مثلاً به هنگامی که همسایه‌ای جهت انجام کاری به در همسایه دیگری می‌رود، و همسایه از او دعوت می‌کند به داخل بیاید و نمونه‌هایی این چنینی در مراودات ایرانی دیده می‌شود.

تعارف در پذیرایی

درباره مهمان نوازی ایرانیان سخن بسیار گفته شده است. در مهمان نوازی اولین چیزی که وجود دارد پذیرایی از میهمان است که ایرانیان این کار را به خوبی بلدند و آداب و رسوم خاصی برای آن دارند. گرچه این آداب و

رسوم از شهر و منطقه‌ای به شهر و منطقه‌ای دیگر، از قومی به قوم دیگر، از خانواده به خانواده دیگر و حتی میان طبقه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی متفاوت است. به عنوان مثال در منطقه ترکمن صحرا و میان ترکمن‌ها رسمی خاص در میان آنها وجود دارد. ترکمن‌ها هر لحظه که مهمان می‌آید سفره را پهن می‌کنند یعنی در خانه ترکمن نان همیشه فراهم است و بعد دیگر به شما تعارف برای خوردن نمی‌کنند.

تعارف در هدیه (تعارفی بردن)

تعارف یا تعارفی بردن در ایران به نوعی از هدیه دادن اطلاق می‌شود. همانطور که در معنی تعارف در لغت نامه‌های مختلف ذکر شد تعارف شامل هدیه و تحفه و پیشکش دادن نیز می‌شود.

هدیه بردن تقریباً در همه جوامع رسم مشترکی است، اما در ایران شکل دیگری از آن نیز وجود دارد که به آن «تعارف یا تعارفی بردن» می‌گویند و در موارد بسیاری مصداق دارد. مثلاً هنگام عیادت بیمار، یا وقتی به منزل کسی، مخصوصاً برای اولین بار، دعوت می‌شوند، یا بردن تعارف برای کسی که به منزل جدید رفته است که اصطلاحاً به این نوع هدیه و تعارف «خانه نویی» گفته می‌شود. همچنین وقتی کودکی به دنیا می‌آید و اقوام به دیدن مادر و نوزاد می‌روند - این دیدن نیز یک رسم ایرانی است - هدیه و تعارف می‌برند که به این هدیه نیز اصطلاحاً «چشم روشنی» می‌گویند. یا به طور مثال وقتی به دیدن مسافر می‌روند تعارفی و هدیه و چشم روشنی می‌برند. همچنین برای کسی که از سفر حج بازگشته باشد یا زیارت کربلا و امثال آن. در گذشته که

سفر به قم و مشهد به آسانی امروز نبوده است، به دیدن فرد از مشهد و قم بازگشته نیز می‌رفتند و چشم روشنی می‌بردند. شاید هم اکنون نیز در بعضی از نقاط دور افتاده نیز این رسم باشد، اما در شهرهای بزرگتر دیگر کسی به دیدن فرد از مشهد و قم بازگشته نمی‌رود. نکته‌ای که در اینجا لازم به ذکر است، سوغاتی است که فرد از مکه یا کربلا یا امثال آنها بازگشته می‌آورد. بردن سوغات رسمی نیست که فقط در ایران وجود داشته باشد، اما سوغات کسی که از مکه یا اماکن زیارتی دیگر حتی مشهد بازگشته، معمولاً چیزی است که به آن «متبرک» می‌گویند. در بسیاری از موارد شامل سجاده، جانماز، تسبیح و غیره می‌شود و چون از شهرهای زیارتی آورده می‌شوند - حتی از خوراکی باشد - به آنها تبرک و متبرک می‌گویند و این هدیه و تعارفی در واقع پاسخی است به هدیه و تعارف شخص بازدید کننده.

در گذشته، مثلاً در مراسمی مانند عروسی مراد اصلی از دادن این تعارفات، کمک به عروس و داماد برای شروع زندگی مشترک بوده است. گاه از مجموع این هدایا، رقم قابل ملاحظه‌ای نصیب عروس و داماد می‌شود که بسیاری از مشکلات ابتدای زندگی آنها را رفع می‌کند و دادن این مقدار برای بسیاری از خانواده‌های طرفین کار ساده‌ای نیست. اما برای هر شخصی به عهده گرفتن بخشی از آن آنقدرها مشکل نمی‌باشد. البته قطعاً چه خانواده‌های عروس و داماد، چه خود عروس و داماد در موقع مقتضی باید این مقدار را جبران کنند و یا ممکن است در گذشته چنین هدیه‌ای داده باشند و این پاسخی به هدیه شان باشد. این مطلب در مورد هدایایی که به صورت نقدی یا اهداء طلا - به صورت سکه یا

غیره - ذکر می‌شود. در مورد اقوام و آشنایان دورتر، معمولاً این هدایا به صورت‌های دیگر مثل دادن اسباب و وسایل منزل، به ارزش‌های مختلف است. که معمولاً این ارزش را میزان نزدیکی و دوری به خانواده‌های عروس و داماد تعیین می‌کند. این اسباب و وسایل هم در جهت کمک به عروس و داماد هدیه داده می‌شود.

گذشته از هدیه و تعارفی که برای عروس و داماد می‌برند، تعارفی‌های بسیاری رد و بدل می‌شود که شاید به نوعی کارکرد گذشته خود را از دست داده باشد. همانطور که کارلا سرنا در سفرنامه اش ذکر کرده است، خانمها برای هدیه بردن به پخت شیرینی و مربا یا کاری گلدوزی شده می‌پرداختند. اما امروزه انجام این امور بسیار کمتر صورت می‌گیرد.

انواع تعارف

به نظر نگارنده و با توجه به آنچه تاکنون نگاشته شد، تعارف‌های ایرانی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. **تعارف کلامی یا زبانی یا بیانی:** این نوع از تعارفات شامل هر آن چه که در مکالمات و ارتباطات روزه مره مردم وجود دارد، می‌شود. مثل همه جملات، عبارات، اصطلاحات و کلماتی که در تعاملات مردم رد و بدل می‌شود.

۲. **تعارف عملی:** تعارفات عملی، همه اعمالی را که ایرانیان در تعارفات خود به کار می‌برند شامل می‌شود. این تعارفات شامل «عمل دعوت کردن از دیگران»، «تهیه انواع غذا و میوه و شیرینی در پذیرایی‌ها»، «بردن هدیه و گل و شیرینی به مناسبت‌های مختلف برای یکدیگر» و ... می‌شود.

نکته‌ای که در این جا به ذهن می‌رسد این است که در همه این تعارفات عملی، تعارفات کلامی و بیانی نیز بارز و مشهود است.

۳. **تعارف فرا کلامی:** نوع دیگری از تعارفات نیز وجود دارد که مربوط به اشارات و حالات مختلف دست و صورت می‌شود. این نوع تعارفات در مقوله تعارفات فرا کلامی گنجانده می‌شود که افراد از طریق حالات بدنی و چهره به یکدیگر تعارف می‌کنند. مثل حالاتی که دست به هنگام دعوت کردن میهمانها بر سر میز غذا، یا هدیه دادن به دیگری به خود می‌گیرد.

۴. **تعارف کتبی:** یکی دیگر از انواع تعارف، تعارفات کتبی است که به صورتهای مختلف دیده می‌شود. مثل تعارفاتی که در نامه‌های رسمی و غیر رسمی رایج و مورد استفاده است. همچنین در نمونه‌هایی از این گونه تعارفات در ایران امروزه، به صورت آگهی‌های تبریک و تسلیت در روزنامه‌ها و مجلات و بر روی کارتهای دعوت به مناسبت‌های مختلف وجود دارد. مثلاً در روی پاکت کارتهای دعوت نوشته می‌شود: «حضور محترم جناب آقای دکتر مختاری به اتفاق خانواده محترم یا سرکار خانم (بانو) مشرف باد».

انواع نقش‌های تعارف در جامعه

۱. نقش تعارف در ارتباطات اجتماعی

تعارف یک نقش اساسی را در ارتباطات اجتماعی در ایران ایفا می‌کند. مردم ایران در برخوردها و روابطشان از طریق تعارف با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. ارتباط ایرانیان با یکدیگر با تعارف آغاز می‌شود و بسا

تعارف پایان می‌گیرد و بدون تعارف، ارتباط ایرانی هرگز به وجود نمی‌آید.

این تعارف در روابط به اشکال مختلف بروز می‌یابد. در برخوردهای خیابانی، در مکالمات تلفنی، در دعوت کردن از یکدیگر و....

همچنین لازم به ذکر است تعارف با افراد نزدیک، متفاوت از تعارف با افراد غیر نزدیک است.

الف - در برخوردها

در این مبحث دو گونه از برخوردها را می‌توانیم بررسی کنیم. یکی برخوردهای اتفاقی که به ذکر مثالی از نمونه‌های آن پرداخته شد. مثلاً به هنگامی که دو آشنا یکدیگر را به طور اتفاقی در خیابان می‌بینند یا برخورد دو همسایه در جلوی در ورودی منزل و امثال آن‌ها. نوع دیگری که در نوع برخورد اتفاقی - به معنی از پیش تعیین نشده - می‌توان ذکر کرد این است که حدافل یکی از طرفین از این برخورد آگاه باشد. مثلاً زمانی که یکی از همسایه‌ها برای بردن شله زرد نذری خود به در خانه همسایه دیگر برود.

گونه دیگر این برخوردها هنگامی است که طرفین از وقوع آن مطلع باشند. به عنوان مثال هنگامی که افراد با یکدیگر در مهمانی برخورد می‌کنند.

ب - در مکالمات تلفنی

مکالمات و ارتباطات تلفنی نیز، از تعارفات رایج بی‌نصیب نیستند. هنگام انجام مکالمه تلفنی، قبل از گفتگو درباره موضوع یا پیام اصلی ابتدا طرفین مکالمه شروع به تعارف به یکدیگر می‌کنند سپس بعد از کلی تعارف با

یکدیگر به اصل موضوع می‌پردازند. گاهی بیان تعارفات زمان بیشتری از موضوع اصلی که فردی را وادار به تماس با فردی دیگر می‌کند، می‌گیرد. گرچه میزان و کمیت این تعارفات از شخصی به شخص دیگر متفاوت است. اما گفتن حدافل قدری از این قبیل جملات در مکالمات ایرانی، لازم و ضروری است.

ج - ارتباط با نزدیکان و غیر نزدیکان

در ایران الگوی ارتباط با افراد نزدیک و غیر نزدیک متفاوت است. به بیان ساده‌تر مردم با افراد غیر نزدیک رو در بایستی دارند. در ارتباط با افراد نزدیک، روابط شکل ساده تری به خود می‌گیرد و میزبان و مهمان احساس راحتی بیشتری دارند. البته ذکر این مطلب به این معنی نیست که در روابط میان افراد نزدیک تعارف دیده نمی‌شود. چرا که در این گونه ارتباطها هم اشکالی از تعارف منتها به صورت‌های ساده تری وجود دارد که در آن قیود مربوط به تعارف در ارتباط با افراد غیر نزدیک به مراتب بسیار کمتر دیده می‌شود.

۲. نقش تعارف در نشان دادن مقام و شأن و منزلت اجتماعی

تعارفات ایرانی را می‌توان به عنوان نقشی که در شکل دهی مقام و منزلت اجتماعی دارند نیز بررسی کرد. این مقام و منزلت اجتماعی می‌تواند با توجه به سن، جنس، وضعیت اقتصادی، وضعیت شغلی و کاری، طبقه اجتماعی و... به فردی داده شود.

ویلیام بیمن در کتاب «زبان، منزلت و قدرت در ایران» نقش منزلت اجتماعی را در مناسبات و تعاملات

ایرانیان به خوبی بررسی می‌کند:

«الگوهای بنیادی جامعه ایرانی به مفهوم ساختاری چندان پیچیده نیستند اما امکانات فراوانی برای کنش‌های زبانی فراهم می‌آورند. دو حوزه از تقابل فرهنگی نمادین در زندگی ایرانیان نقش اساسی ایفا می‌کند. حوزه اول تقابل میان درون و بیرون است و حوزه دوم تقابل میان سلسله مراتب و برابری.» (بیمن، ۱۳۸۱، ص ۳۴)

نمونه آنچه را که بیمن ذکر می‌کند هر روزه در روابط اجتماعی اتفاق می‌افتد. گفتن عباراتی مثل «قربان شما» و... یا کلماتی مثل «چاکرتم»، «مخلصتم» و... همه به نوعی مصداق آنچه که بیمن می‌گوید است. به کار بردن این کلمات به طور روزانه به کرات اتفاق می‌افتد.

الف) افعال

در زبان فارسی معمولاً معادل‌های بسیار زیادی برای یک فعل واحد وجود دارد که در شرایط مختلف از آنها استفاده می‌شود. اما در ترجمه همه این افعال به زبان دیگر مثلاً انگلیسی معمولاً فقط یک معادل وجود دارد. همانطور که می‌دانیم، نمونه این افعال در فارسی زیاد است. در این باره می‌توان به فعل دیدن که در شرایط مختلف به زیارت کردن، ملاقات کردن تغییر می‌کند و یا فعل آمدن که به تشریف آوردن، تشریف‌فرما شدن، حضور به هم رسانیدن، قدم رنجه فرمودن تبدیل می‌شود.

ب) ضمایر

ضمایر نیز به همراه فعل از جمله مواردی هستند که کاربرد آنها به صورت جمع نشانه‌ای از احترام و تعارف در تعاملات اجتماعی است. به این معنی که در ضمایر

استفاده از صورت جمع دوم شخص و سوم شخص به جای صورت مفرد آنها برای تعارفات بسیار رایج و متداول است.

همچنین در تعارفات استفاده از کلمه «بنده» به جای اول شخص مفرد یعنی «من» مرسوم است. برای ارجاع به خود می‌توان از ضمیر خنثای من گرفته تا صورت‌هایی چون بنده، چاکر، نوکر یا حتی جان‌نثار و برای ارجاع به مخاطب حاضر از ضمیر متعارف دوم شخص «شما» گرفته تا صورت‌هایی چون جنابعالی یا حضرتعالی استفاده کرد. همچنین صورت‌های دیگری چون سرکار (تقریباً به معنای سرکرده امور که عمدتاً برای زنان و پلیس به کار می‌رود) استفاده می‌شود. (همان، ص ۲۰۰)

در زمینه دوم شخص باطنی می‌نویسد: «در زبان فارسی برای اشاره به مخاطب مفرد، بسته به نوع رابطه اجتماعی، ضمیر جمع یا مفرد به کار می‌رود. از این رو انتخاب ضمیر یکی از شاخص‌های مهم برای نشان دادن رابطه اجتماعی دو طرف گفتگو است. وقتی دو طرف خودمانی باشند ضمیر مفرد به کار می‌رود ولی وقتی رابطه آنها خودمانی نباشد، ضمیر جمع به کار گرفته می‌شود. (باطنی، ۱۳۵۴، ص ۲۰۹)

باطنی معتقد است که «انتخاب ضمیر دوم شخص به چگونگی ترکیب دو مؤلفه اجتماعی - روانی بستگی دارد که یکی «تفوق»، و دیگری «یگانگی» می‌نامند. تفوق یک فرد در مقابل فرد دیگر ممکن است به علت اختلاف سن، دانش، ثروت، مقام اجتماعی، حرفه، جنسیت یا عواملی دیگر و یا تلفیقی از این‌ها باشد.

۳. عناوین و القاب

استفاده از القاب و عناوین در جامعه ایران بسیار رایج است و از جمله مواردی است که حتی گذر زمان هم از ارزش آن‌ها نکاسته است و حتی شاید بیشتر از گذشته مورد استفاده باشد. کاربرد القابی مثل جناب، جناب آقا، جنابعالی، حضرتعالی و... برای آقایان، کاربرد القابی مثل سرکار خانم، سرکار علیه، بانو، جنابعالی، حضرتعالی و... برای خانم‌ها، در موارد و اشکال مختلف و به مناسبت‌های مختلف از آن جمله است. این موارد از مخاطب قرار دادن ساده در تعاملات روزانه گرفته تا نوشتن نامه‌های رسمی و حتی بر روی کارتهای دعوت استفاده می‌شود. در واقع می‌توان گفت نوشتن این کارتها یا استفاده از آنها در بسیاری از مکالمات روزمره عملاً بدون ذکر این القاب غیر ممکن است و نشان بی احترامی به طرف مقابل است.

در موارد ساده‌ای مثل کارتهای دعوت این مسئله به خوبی مشهود است. به عنوان مثال دعوت کننده بر روی کارت دعوت یکی از آشنایان خود که پزشک نیز می‌باشد چنین می‌نویسد: «حضور محترم جناب آقای دکتر ذاکری به همراه بانو مشرف باد». در این مثال نمونه تعارفات ایرانی از جهات مختلف بدیهی است. استفاده از القاب جناب آقا و بانو، همچنین عنوان دکتر که مرتبط با شغل دعوت شده است و همین طور کاربرد کلماتی مثل حضور یا محترم و فعل مثل مشرف باد. همه این الفاظ و کلمات و عبارات نشان دهنده تعارف در فرهنگ ایرانی است. به طوری که اگر به گونه‌ای دیگر نوشته شود ممکن است موجبات دلخوری دعوت شونده فراهم شود.

۳. نقش ارزشی تعارف

آن چه در جامعه ایرانی مسلم و بدیهی به نظر می‌رسد این است که تعارف به عنوان یک ارزش و هنجار اجتماعی تفسیر می‌شود و نقش عمده‌ای را در فرهنگ ایرانی بازی می‌کند.

تعارف به عنوان یک ارزش و هنجار اجتماعی پاسداری می‌شود و افراد جامعه هم، تعارف کردن و تعارف شدن را نوعی «احترام» که آن هم برخاسته از ارزش‌های اجتماعی است می‌دانند.

می‌توان گفت تعارف نیز از جمله امور و در واقع ارزش‌هایی است که به عنوان یک الگو در فرهنگ و جامعه ایرانی شناخته شده و نسل به نسل از طریق فرآیند جامعه پذیری و از جانب خانواده و نظام آموزشی و در کل جامعه به فرد آموخته شده و در او نهادینه می‌شود. یک کودک ایرانی به خوبی آداب تعارف کردن را یاد می‌گیرد و آن‌ها را به عنوان ارزش می‌شناسد و انجام می‌دهد.

تعارف به عنوان یک ارزش و هنجار اجتماعی پاسداری می‌شود و افراد جامعه هم، تعارف کردن و تعارف شدن را نوعی «احترام» که آن هم برخاسته از ارزش‌های اجتماعی است می‌دانند.

همه مردم ایرانی، حتی آنان که از تعارف کردن‌های نا به جا، نالان هستند، باز هم تعارف می‌کنند زیرا تعارف از همان اوان کودکی در آنها به عنوان یک اصل ارزشی درک و شناخته و سپس آموخته شده است. در اکثر موارد روند شکل گیری آن بسیار ناخودآگاه بوده، یعنی کودک به سادگی در جریان تعاملات اجتماعی

خانواده‌اش با دیگران آن را می‌آموزد. این یادگیری حتی به هنگام صحبت کردن نیز در او درونی می‌شود. کودک به زودی یاد می‌گیرد چه کسانی را باید «تو» و چه کسانی را باید «شما» خطاب کند. بسیار اتفاق می‌افتد که نظام آموزشی نیز این مسئله را به یاد بدهد. مسئولین مهد کودک‌ها و مدارس این نظام ارزشی را به کودکان منتقل و صحبت‌های آنان را تصحیح می‌کنند. علاوه بر موارد ذکر شده یکی دیگر از ارزش‌های جامعه ایرانی که خود می‌تواند در شکل‌گیری تعارف بی‌اثر نباشد، آن چیز است که فاضلی در مقاله خود با عنوان «تعارف در فرهنگ ایران» به نقل از سوفیا کوتلاکی، می‌نویسد: «فهم ایرانی از تعارف کاملاً متفاوت و در نقطه مقابل از فهم غربی‌هاست. در حالی که تعارف در فرهنگ غربی در چارچوب ارزش‌های «فردگرایانه» تفسیر و فهم می‌شود، تعارف در ایران در چارچوب ارزش‌های «اجتماع‌گرایانه» شکل می‌گیرد. به همین دلیل است که تفاوت‌های زیادی بین این دو فرهنگ مشاهده می‌شود».

(www.farhangshenasi.com)

۴. نقش کارکردی تعارف

در تعریف مکتب کارکردگرایی «چارچوب کارکرد درون خود دو اصل اساسی را جای می‌دهد: اصل جامعیت (کل‌گرایی) و اصل سودمندی. منظور از اصل جامعیت آن است که هر پدیده اجتماعی به عنوان «جزیی» در نظر گرفته شود که درون یک «محیط» (کل) قرار می‌گیرد و در رابطه با این کل تحلیل می‌شود. منظور از اصل سودمندی آن است که هر پدیده

اجتماعی باید دارای نوعی تأثیرگذاری باشد و به نوعی نیاز در جامعه‌ای که در آن به وجود آمده است پاسخ گوید. این اصل را ضرورت کارکردی نام داده‌اند» (فکوهی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۱)

با توجه به این تعریف تعارف به عنوان جزئی از فرهنگ ایرانی تعبیر می‌شود و در رابطه با این کل قرار می‌گیرد و علاوه بر این بنابر اصل سودمندی یا ضرورت کارکردی باید به نوعی نیاز در جامعه ایرانی پاسخ دهد. اگر چیزی در جامعه‌ای کارکرد نداشته باشد به حاشیه رفته و تدریجاً از بین می‌رود. گرچه تعارف هم در اثر گذشت زمان و عوامل متعدد دیگری چون رشد شهرنشینی در جامعه ایرانی کمرنگ شده، اما از میان نرفته است. تعارفات همچنان در جامعه ایرانی پایدار و باقی هستند به طوری که حتی در میان ایرانیانی که سال‌ها در خارج از ایران و جدا از بافت فرهنگی آن نیز زیسته‌اند، هنوز باقیست و این نشانگر عمق نهادینه شدن این خصیصه و پدیده فرهنگی در ایرانیان است. کارکرد تعارف را نمی‌توان از دیگر وجوه آن، یعنی ارتباطات اجتماعی، نقش ارزشی و منزلتی آن جدا کرد. به واقع کارکرد تعارف در ارتباط مستقیم با همه موارد ذکر شده قرار می‌گیرد.

نقش کارکردی دیگر تعارف می‌تواند در تفکرات سودجویانه باشد. مواقعی که با تعارف کردن یا تعارف بردن مشکلی حل شود یا مانعی از پیش روی او برداشته شود. در این شکل تعارف از کارکرد اصلی خود خارج شده و در جهت فرعی شکل یافته و رشد کرده و سپس اشاعه می‌یابد. در شرایطی که کارکرد تعارف در جهت تأمین منفعتی پیش رود و اگر به میزان آن افزوده گردد

تبدیل به چاخان می‌شود.

کارکرد تعارف هر چه بیشتر در قلمرو تکنولوژی و مدنیت وارد شود شکل اصلی خود را از دست می‌دهد. در واقع در مدنیت فرصت تعارف کمتر پیش می‌آید. در این شرایط کارکرد تعارف تبدیل به «تشخص» می‌شود و تشخیص جای تعارف را می‌گیرد. به این معنا که فردی که انواع مختلف غذا برای یک مهمانی تدارک می‌بیند، به مهمان تعارف نمی‌کند بلکه شخصیت خودش را نشان می‌دهد. در این شرایط کارکرد تعارف در جامعه در جهت دیگری شکل می‌یابد.

نتیجه‌گیری

تعارف نزد ایرانیان، فرهنگی است که در رفتار و گفتار افراد جامعه نمود دارد. همچنین تعارف دارای جنبه‌های مختلف و متعددی می‌باشد. موقعیت‌های مختلف رویارویی افراد با یکدیگر و شرایط خاص آن است که در واقع شکل‌ها و جنبه‌های گوناگون را با تعبیرات و کلمه‌های خاص هر موقعیتی مشخص می‌کند. البته لازم به ذکر است که در به کاربردن این الفاظ و اصطلاحات تعارف آمیز، شخصیت فرد درگیر و میزان شناخت و آشنایی اش به آداب اجتماعی، و یا آموخته‌های خانوادگی و ویژگی‌های فردی نقش اساسی دارند. همه افراد در موقعیت‌های مشابه از جملات یکسانی استفاده نمی‌کنند. بنابراین می‌توان گفت عواملی از قبیل تحصیلات، موقعیت اجتماعی و شغلی، سن و جنسیت، تفاوت‌ها و ویژگی‌های فردی، تفاوت‌های فرهنگی، موقعیت اقتصادی، موقعیت منطقه‌ای و مذهب نیز در چگونگی کاربرد تعارف مؤثر هستند.

همچنین یکی دیگر از نتایجی که از این بحث حاصل می‌شود این است که رعایت آداب مربوط به تعارف و وجوه مختلف آن به طبع قشربندی‌های مختلف اجتماعی، اقوام و طوایف گوناگون، در شهرهای مختلف و در روستاها دقیقاً به یک شکل نبوده است و به عبارت دیگر تعارف و هر یک از آداب مربوط به آن در خرده فرهنگ‌های مختلف، به صورت‌های متفاوتی ظهور می‌یابد. در ادامه می‌توان گفت هر چه به لحاظ زمانی به جلو آییم، رعایت تعارفات به شکل پیشین بسیار کم رنگ‌تر شده و در مواردی از میان رفته و در شرایطی نیز تغییر شکل یافته‌اند.

نتیجه دیگر این که به زبان ساده می‌توان گفت تعارف دو رو دارد. روی دروغین و روی حقیقی. روی دروغین آن همان است که بسیاری تعارف را همان می‌دانند. تعارفات دروغین که بسیار در جامعه به چشم می‌خورد و به نمونه‌هایی از آنان نیز اشاره شده است. این گونه تعارفات بیشتر در زبان دیده می‌شوند و تعارفات کلامی‌اند. تعارف شاه عبدالعظیمی که یکدیگر را دعوت به منزل خود می‌کنیم، تعارفاتی که میان راننده تاکسی و مسافر، میان مشتری و مغازه دار، هنگام پرداخت پول و بسیاری موارد این چنینی رد و بدل می‌شود. همچنین اصطلاحات و قربان صدقه رفتن‌هایی که روزانه صدها بار به کار می‌بریم. اما هیچ یک از آنها واقعیت ندارند. مثل چاکرم، قربانت برم، شما سرور ما هستین و...
اما از رویکردی دیگر و به عبارت ساده‌تر روی دیگر تعارف نگاه به جنبه‌های مثبت آن است که نه تنها دروغین نبوده بلکه ناشی از محبت یک فرد به فرد دیگر است. این امر می‌تواند در مورد تعارفات کلامی و غیر

شاردن، ژان، سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، جلد چهارم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۰

۷. نوردن، هرمان، زیر آسمان ایران، ترجمه حسین سمیعی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶

۸. سرنا، کارلا، مردم و دیدنی‌های ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، چاپ نقش جهان، چاپ اول، ۱۳۶۲

۹. فکوهی، ناصر، تاریخ اندیشه‌ها و نظریه‌های انسان شناسی، نشر نی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱

۱۰. باطنی، محمد رضا، مسائل زبان شناسی نوین، مقاله زبان به عنوان یک رفتار اجتماعی، انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۵۴

۱۱. بیمن، ویلیام، زبان، منزلت و قدرت در ایران، ترجمه رضا مقدم کیا، نشر نی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۶

۱۲. www.farhangshenasi.com

کلامی صادق باشد. مثلاً هنگامی که فردی با بردن تعارفی یا هدیه برای به دنیا آمدن فرزند دیگری خود را در شادی او شریک می‌کند نکته‌ای منفی به شمار نمی‌رود. منفی بودن آن زمانی است که این تعارف بردن تبدیل به چشم و هم چشمی، اجبار و وظیفه شده و موجبات دردسر طرفین را فراهم آورد. اما آن چه در اصل این نوع تعارف بردن وجود دارد، کارکرد و ارزش مثبتی دارد که در طی زمان و با تأثیر عوامل متعددی تبدیل به سنتی دست و پاگیر شده است.

در نهایت، به نظر نویسنده تعارفی که همراه با اجبار نباشد و بر مبنای اصل رضایت طرفین واقع شود و همین طور شناخت اصل و جوهره فرهنگ تعارف، درک بهتری از تعارف را فراهم می‌آورد که رعایت جنبه‌های صحیح آن به شناخت کامل تری از تعارف منجر می‌شود.

منابع

۱. شاملو، احمد، کتاب کوچه (جامع لغات، اصطلاحات، تعبیرات، ضرب المثل‌های فارسی)، دفتر اول، حرف ت، انتشارات مازیار، چاپ اول، ۱۳۷۹
۲. انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، جلد اول، انتشارات سخن، چاپ سوم، ۱۳۸۵
۳. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغات دهخدا، شماره حرف ت: ۶، چاپخانه دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۴۲
۴. امینی، امیر قلی، فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان پارسی، با مقدمه استاد احمد آرام، انتشارات علمی، چاپ سوم، ۱۳۷۱
۵. شهری، جعفر، قند و نمک (ضرب المثل‌های تهرانی به زبان محاوره)، انتشارات معین، چاپ سوم، ۱۳۷۹
- ۶.